

منجی در ادیان

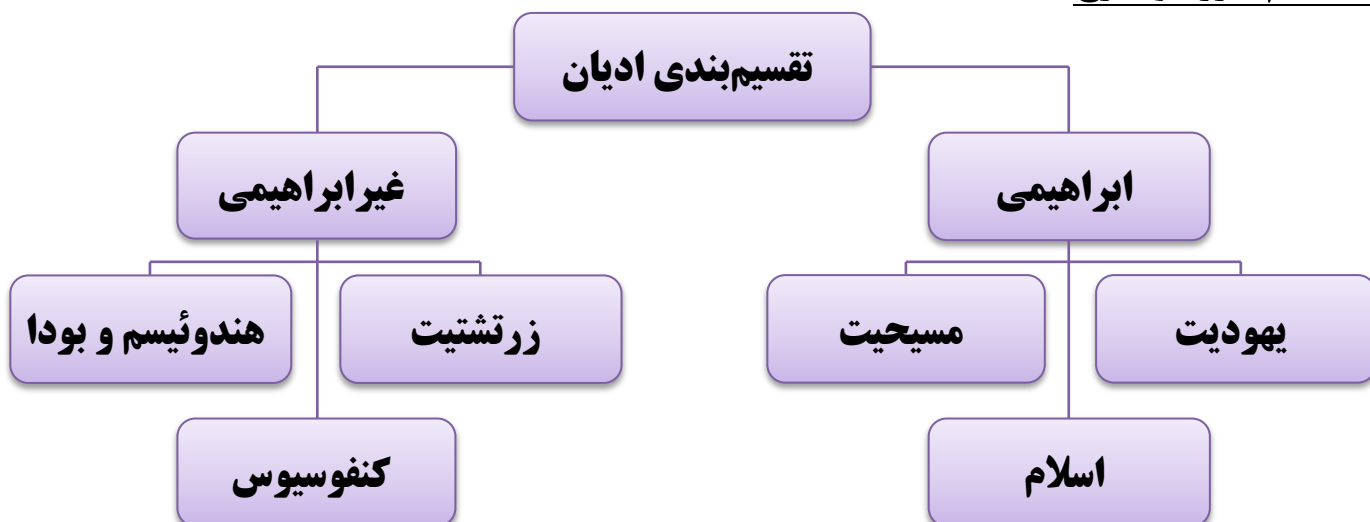
مقدمه:

- برای ورود به بحث منجی در ادیان ناگزیر به طرح چند موضوع هستیم:
- در نگاه همه‌ی ادیان، پایان جهان به نجات ختم می‌شود و همه ادیان بزرگ، برای این جهان برنامه دارند و معتقدند پایان زندگی بشر امید بخش است و بشر سرانجام به یک آرمان شهر خواهد رسید.
 - از دیدگاه قرآن، آنچه از آدم تا خاتم وجود داشته، اساساً یک دین است و متعدد بودن، به شریعت‌ها برمی‌گردد، نه به دین و بحث تعدد ادیان بحثی امروزی است.



ادیان:

امروزه ادیان به طرق مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی (که مبنای بحث ماست)؛ ادیان الهی و غیر الهی؛ ادیان وحیانی و غیر وحیانی؛ ادیان شرقی و غیر شرقی؛ ادیان سامی و غیر سامی و بدترین نوع آن، تقسیم‌بندی نژادی دین، به سفید (مسیحیت)، سیاه (اسلام)، زرد و سرخ است.



در این بخش به بررسی ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی و مقایسه‌ی آنها با منجی‌گرایی در اسلام می‌پردازیم.

✓ ادیان ابراهیمی:

• نجات‌بخشی در یهودیت

از ابتدا تا انتهای اسفار پنجگانه تورات، هیچ اشاره‌ای به نجات‌بخشی یا منجی آخرالزمان وجود ندارد و هیچ آیه‌ای که در آن به آمدن ماشیح (مسیح) یا معرفی او بپردازد، وجود ندارد. قدیمی‌ترین عبارت درباره ماشیح، به زمان سموئیل نبی برمی‌گردد. طبق عقیده یهود، هنگامی که یهودیان در سختی و تنگنا قرار گرفتند، از پیامبر خود، سموئیل خواستند تا شخصی را به عنوان حاکم تعیین کند تا به کمک او از گرفتاری نجات یابند. سموئیل، طالوت را انتخاب و سرش را با روغن مسح کرد و او را ماشیح نامید.

ماشیح، ابتدا تنها لقبی برای طالوت بود و اساساً معنای نجات‌بخشی نداشت. بعدها این لقب به حاکمان یهود و سپس به عالمان اطلاق شد و آرام آرام بار معنایی نجات‌بخشی پیدا کرد. این نجات‌بخشی، ابتدا تنها مخصوص قوم یهود بود اما به تدریج به نجات‌بخشی فرا قومی تبدیل شد. یکی از عوامل مهم در اینکه یهود از واژه‌ای خاص به نجات‌بخشی فرا قومی رسید، تجربه دو اسارت بزرگ آنها در سال‌های ۵۹۷ ق.م و ۵۸۸ ق.م بود. اندیشه‌ی نجات‌بخشی یهود، در زمان اشعیای نبی به اوج خود رسید. کتاب اشعیای نبی به دو بخش پیش از اسارت بابل و بعد از آن تقسیم می‌شود و بار نجات‌بخشی در اشعار بعد از اسارت بیشتر است.

یهودیان اصرار دارند که منجی آنها یهودی، دارای قدرت کیهانی، زاده بیت لحم (شهری در فلسطین)، فرزند داوود و شهرنشین (از طبقات ثروتمند جامعه) است.

کارکردهای اندیشه‌ی ماشیح در یهود

تشکیل حکومت و استقلال سیاسی

داوری نهایی در میان همه اقوام و آسان‌گیری بر بنی اسرائیل

نابودی امت‌های مشرک

اعطای قدرت جهانی به بنی اسرائیل

زنده کردن مردگان

مقایسه منجی در یهود و اسلام

نجات بخشی در یهودیت پُررنگ، اما فاقد اصالت در منابع است. زیرا یهودیان ماشیح را نه به زمان حضرت موسی و تورات، بلکه به زمان سموئیل نبی وصل می کنند. در حالی که مهدویت در اسلام دارای اصالت بالاست و در کتاب معجم الحدیث امام مهدی، حدود ۳۰۰ آیه قرآن، که تفسیر یا تاویل آن به مهدویت اشاره دارد، ذکر شده است.

در اسلام برای ظهور منجی وقت تعیین نشده است، در حالی که عده‌ای در یهودیت برای آمدن منجی وقت تعیین کرده‌اند.

• نجات بخشی در مسیحیت

در مسیحیت با سه نگاه نسبت به نجات بخشی رو به رو هستیم.

۱. نگاه یهودی _ مسیحی

در نگاه یهودی _ مسیحی، اساساً نجات به معنی نجات آخرالزمانی نیست؛ بلکه بیشتر رنگ و بوی یهودی دارد. بر اساس تعالیم یهود، انسان یا پدر او «آدم»، گناه آلود است. خدا عیسی را فرستاد تا با قربانی شدن او، انسان پاک شده و به جایگاه اول خود (بهشت) باز گردد. نجات در این دیدگاه به معنی نجات از دنیا و بازگشت به جایگاه اولیه است و نه به معنای نجات آخرالزمان و جنگ با ظالمان.

۲. نگاه مسیحی _ مسیحی

در این نگاه، نجات بخشی بسیار پُررنگ است. براساس آماری در سال ۲۰۱۵ از جمعیت ۳۲۰ میلیون نفری آمریکا، حدود یک سوم آنها اوانجلیست هستند. موسسان این دیدگاه از جمله «جری فالول»، معتقدند باید ابزار حکومت را به دست بگیرند تا بتوانند اندیشه‌های مسیح را گسترش دهند. در نظر آنها یکی از شروط آمدن مسیح، نابودی دو مسجد مهم مسلمانان، یعنی «مسجدالاقصی» و «مسجدالصخره» و احیای معبد سلیمان است. کلمه رجعت یا بازگشت مسیح حدود ۳۰۰ بار در اناجیل مختلف از جمله یوحنا، متی و نامه رومیان آمده است؛ اما در هیچکدام از اناجیل، آیه‌ای که به حکومت مسیح اشاره کند، وجود ندارد.

بر این اساس، امروز جریان یهودی _ مسیحی، سعی در پاک کردن ننگ مصلوب شدن مسیح بدست یهودیان و دشمن جلوه دادن مسلمانان دارند.

بیشترین اشارات در مورد آخرالزمان، در دو انجیل یوحنا و مکاشفات یوحنا ذکر شده است.

۳. نگاه اسلام به مسیحیت

در نگاه اسلام، مسیح مستقلاً حجت نیست؛ بلکه بخشی از منظومه ظهور است و نزول او در زمان ظهور، در تمام منابع اسلام چه شیعه و چه سنی آمده است و حتی جزء روایات پرتکرار مهدویت است.

• نجات بخشی در زرتشتیت

از جمله شبهاتی که غربی‌ها در مورد مهدویت مطرح می‌کنند، این است که اندیشه مهدویت وام گرفته از زرتشتیت است. در پاسخ به این شبهه باید به چند نکته دقت کرد:

- بین مورخین در مورد محل تولد زرتشت در ایران یا شبهه قاره هند، اختلاف نظر وجود دارد.
 - وقتی اسلام وارد ایران شد، دین زرتشتیت از اعتبار ساقط شده بود و در قسمت شرق ایران بودا پرستش می‌شد و در واقع اسلام در تقابل با سه دین زرتشتیت، مسیحیت و بودا بود.
- کتاب اصلی زرتشتیان «اوستا» شامل دو بخش است: بخش اصلی با نام گاتها (گاهان) و بخش فرعی یا ملحقات، که شامل جاماسب‌نامه، فروردین یشت و... است. آنچه در مورد منجی و آینده در دین زرتشتیت وجود دارد، مربوط به بخش ملحقات اوستا است که بعد از ورود اسلام به ایران نوشته شده است و در گاتها هیچ اشاره‌ای به آمدن سوشیانت وجود ندارد.

جالب است که ملحقات اوستا غالباً براساس روایات مهدوی نوشته شده است. زرتشتیت تاریخ را خطی تلقی می‌کند؛ یعنی تاریخ از یک مبدأ شروع و در نقطه‌ای پایان می‌پذیرد. (تاریخ به دو صورت خطی و دورانی در نظر گرفته می‌شود و در هر دو حالت، زندگی بشر به نجات ختم می‌شود). مستشرقان، تاریخ زرتشت را به سه گونه تقسیم کرده‌اند؛ برخی آن را به ۶ هزار سال، برخی ۹ هزار سال و برخی ۱۲ هزار سال تقسیم کرده‌اند. در دوره دوازده هزار ساله، جهان به چهار سه هزاره تقسیم می‌شود که در هر سه هزاره شاهد اتفاق خاصی هستیم.

- **سه هزاره اول:** در این دوره فقط خدا بود و چیزی جز خدا نبود.
- **سه هزاره دوم:** آفرینش در این دوره آغاز شد و موجودات مختلف خلق شدند.
- **سه هزاره سوم:** در این دوره شاهد دو اتفاق هستیم:

۱. خلقت اهریمن

۲. خلقت زرتشت: که در پایان هزاره نهم زرتشت به پیامبری مبعوث می‌شود.

- **سه هزاره چهارم:** در این دوره شاهد ظهور سه منجی زرتشت، به فاصله هزار سال از یکدیگر هستیم: هوشیدر (هزاره دهم)، هوشیدرماه (هزاره یازدهم)، سوشیانت (هزاره دوازدهم)

سوشیانت به معنی سودرسان و نام آخرین منجی دین زرتشت و سوشیانس اسم جمع منجی است. زرتشتیان معتقدند، هر سه منجی آنها، فرزند بلافصل زرتشت هستند که به فاصله‌ی هزار سال از یکدیگر، برای نجات بشر ظهور می‌کنند.

برخی از تعالیم زرتشتیت که وام گرفته از روایات مهدوی است:

۱. هدف از آمدن سوشیانت: نابودی اهریمن، عدالت‌گستری، گسترش دین و اخلاق، تشکیل حکومت

جهانی

۲. اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ پیش از ظهور، و فراوانی نعمت‌ها پس از ظهور

۳. سوشیانت، برگزیده‌ای همانند زرتشت است. (هم سیره بودن پیامبر و حضرت مهدی)

مقایسه منجی در اسلام و زرتشتیت

برخلاف اشارات قرآن به مهدویت، در کتاب زرتشتیان (گاهان) هیچ اشاره‌ای به منجی نشده است.

در زرتشتیت هیچ سخن و بشارتی در مورد منجی از زبان زرتشت وجود ندارد؛ در حالی که در اسلام حدود ۵۰۰ روایت مهدوی از پیامبر وجود دارد.

زرتشتیت هم مانند سایر ادیان وعده آینده را می‌دهد، برخلاف اسلام که عقیده به امام حی و حاضر دارد.

• نجات‌بخشی در هندوئیسم و بودیسم

بودیسم یکی از شاخه‌های هندوئیسم است که اندیشه منجی‌خواهی در آن به مراتب از هندوئیسم قوی‌تر است. منجی هندوئیسم «کلکی» (کلکین) و منجی بودیسم «میتریه» (میت) خوانده می‌شود.

این دو دین، معتقد به تاریخ دورانی هستند. آنها تاریخ را چهار دوره یا یوگه می‌دانند و معتقدند که ایمان مردم در هر دوره به تدریج کاهش می‌یابد تا اینکه در دوره چهارم به پایان می‌رسد و منجی در این دوره ظهور می‌کند. و این چهار دوره، به تناوب تکرار می‌شود.

• نجات‌بخشی در کنفوسیوس

کنفوسیوس تنها دینی است که اعتقاد به منجی شخصی ندارد؛ بلکه معتقد به بازگشت بشر به فرزاندگی است.

مدینه فاضله:

مدینه فاضله، اندیشه‌ای است که هم در نگاه مسلمانان و هم در میان اندیشمندان غربی مورد بحث است. افلاطون یکی از اولین کسانی است که در غرب این اندیشه را مطرح می‌کند.

در اسلام هم اندیشمندان بزرگی مانند فارابی، ابن سینا، سهروردی و خواجه نصیرالدین طوسی به بحث مدینه فاضله پرداخته‌اند. قطعاً مدینه فاضله، در نگاه اندیشمندان اسلام که با احادیث مهدوی آشنایی داشتند، بسیار زیباتر از مدینه فاضله‌ی افرادی چون افلاطون ترسیم شده است.

اسطوره‌ها:

فطرت، ام‌المسائل در مباحث مهدویت است و با نگاه فطری می‌توان نکات مهمی از اسطوره‌ها دریافت کرد.

علامه طباطبایی معتقد است، اسطوره از ریشه‌ی «سطر»، به معنی «خبر» است. خبر اگر مطابق با واقعیت باشد، اسطوره و در غیر این صورت افسانه است.

نجات‌خواهی در اسطوره‌های ملل، نشانگر موعود خواهی بشر است که گاهی به انحراف کشیده شده است. اسطوره در تعریف میرچا الیاده، باز نمود یک واقعیت معنوی است.

گاهی اسطوره‌ها حرف‌هایی در خود دارند؛ به طور مثال، قبیله سالیس (در شمال آمریکا)، معتقد به پایان مثبت برای تاریخ هستند. آنها معتقدند قبل از آمدن منجی (راستین)، کایوت (گرگی در آن سرزمین) خواهد آمد. آیا برخی خصوصیات سفیانی با کایوت قابل تطبیق نیست؟

با بررسی ادیان و اسطوره‌ها و تطبیق اندیشه‌های آنها با مهدویت می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام قوی‌ترین بنیاد منجی‌خواهی، یعنی مهدویت را دارد.

تدریس استاد شاکری زواردهی

موضوع: منجی در ادیان

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)